

متن پرسش

با سلام خدمت شما استاد گرامی: فایل های صوتی بحث جنود عقل و جهل را گوش می کردم که بحثی را مطرح کردین در مورد گل ائمه و گل شیعیان. اینطور که من فهمیدم هر انسانی هر چه به اضافی گل ائمه که یک حقیقت است نزدیک بشه در واقع به حقیقت شیعه نزدیک شده و در نتیجه به ائمه نزدیک شده است و اینطور نیست که از اول عده ای از آدم ها مشخصا از اضافی گل ائمه خلق شده باشن وگرنه بحث اختیار و اراده انسان از بین می رفت. اما در مورد ائمه گویا قضیه فرق میکنه. فرموده بودین که ما به حقیقتی به اسم انسان کامل داریم که ائمه مظهر این حقیقت هستند مثل آب که مخلوقی است که مظهر تری و عین آن است. یعنی خداوند از اول میخواسته یک سری انسان بیافریند که این ویژگی را داشته باشند یعنی تا اینجا جبراً. از طرفی میگوید که ائمه اختیار و راده شان آزاد هست و جز خوبی اراده نمیکنن اما ما آدمهای عادی اینطور نیستیم. اما به هر حال آنها هم انسان هستند و انسان قدرت اراده و اختیار داره و اگه این نوع اراده ائمه به خاطر اون سرشت و اصل و حقیقتی هست که ازش خلق شدن بنابراین جز این هم ازشون انتظار نمیره (مثه مخلوق جهل که ازش انتظار نداریم وقتی میگن برگرد، برگردد) یعنی انگار اینجا باز هم جبر است نه اختیار یعنی انگار ما آدمای عادی کار مبارزه با هوای نفسمان سخت تر از ائمه است چون ما میخوایم خوب باشیم ولی خیلی سخت میتونیم این اراده را عملی کنیم. احساس می کنم یه چیزی را این وسط اشتباه فهمیدم ممنون میشم راهنمایی بفرمایید. با تشکر

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: خداوند مقام عصمت را موهبتاً و به صورت غیر اکتسابی به ائمه «علیهم السلام» می دهد و آن ها باید در این دنیا در عین داشتن گرایش های بشری و اختیار و انتخاب، آن را حفظ کنند. ولی ما با ترک گناه، آرام آرام می توانیم به عصمت نزدیک شویم. در رابطه با اعتقاد به وجود انسانهایی که خداوند به نحو خاصی برگزیده، موضوع مخلصین در قرآن است. شیطان مداند که از بین بندگان خدا فقط يك گروه هستند که هیچ ابزار و امکانی برای گمراهی آنها در اختیار ندارد و آن «مخلصین» هستند و لذا به خداوند عرض کرد: «فَبِعِزَّتِكَ لَا غُوبِيَّتَهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» [۱] به عزت تو همه را گمراه میکنم مگر بندگان مخلص را. مخلصین آنهایی هستند که خداوند در آنها تصرف خاصی دارد و هیچکس در آنها سهمی ندارد تا شیطان بتواند در آنها تصرف کند. اگر به معنی «مخلص» توجه شود، متوجه خواهید شد که مخلص بودن غیر «مخلص» بودن است.

همت برای خوب شدن مربوط به مخلصین است و نه برای مخلصین، بلکه مخلصین برگزیدگانی هستند که خداوند برای خود خالص کرده و هیچکس در آنها سهمی ندارد، بلکه آنها به دلیل مخلص بودنشان آینه‌ی خواست و رضایت خدایند و هرکس خواست رضایت خدا را جلب کند، باید حرکات و افکار و عقاید آنها را ملاک قرار دهد. مشخص است که این مقام يك مقام اکتسابی نخواهد بود، بلکه موهبتی است، هرچند آنها با اختیار خود باید این عصمت را حفظ نمایند و مسلم حفظ کردن عصمت موهبی مشکلتترین کار ممکن برای بشریت است، زیرا حفظ عصمت به این معنا است که يك لغزش نباید از آنها سر بزند. در همین رابطه است که عارفان گفته اند:

جگر از محنت قریم خون است
نیست در بعد جز امید وصال

محنت قرب ز بُعد افزون است
هست در قرب همه بیم زوال

حفظ حالت قرب از آن جهت جگر سالک را خون میکند که با يك خطا از آن مقام سقوط منماید. موفق باشید

[۱] (۱) - سوره‌ی صاد، آیات ۸۲ و ۸۳.